

روایت محمد محمدزاده از مشکلات شهرسازی در ایران امروز

ثروت فرهنگی ما هنوز از بین نرفته است

محمد محمدزاده، دانش‌آموخته معماری و شهرسازی از دانشگاه علم و صنعت ایران است. او فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۷۹ با دفاتر مشاور در طراحی و نظارت پروژه‌های عمومی و خصوصی آغاز و در سال ۱۳۸۶ دفتر معماری “مام” را تأسیس کرد. او طی سال‌های فعالیت خود، چندین جایزه ملی و بین‌المللی را کسب کرده که از جمله آن‌ها می‌توان به رتبه اول و مدال طلای جایزه معماری آسیا (۲۰۱۷)، چند دوره فیینالیست و تقدیر شده جایزه معمار، جایزه وزارت راه و شهرسازی برای بهترین طرح بازآفرینی اجراشده در بافت‌های فرسوده شهری در ۱۰ سال گذشته (۱۳۹۶) اشاره کرد. او در مدرسه عالی هنرهای زیبای پاریس -بوزار، فوروم معماران شهر زوریخ - سوئیس، در اتریش و در دانشگاه‌های مختلف ایران به‌عنوان سخنران مدعو حضور یافته است. از او طی دو دهه گذشته، تعداد زیادی مقاله و نقد، به خصوص در مجله معمار، منتشر شده و سردبیری شماره‌هایی از این مجله را نیز در این سال‌ها بر عهده داشته است. علاقه او به ترسیم چشم‌اندازی برای شهرهای آینده ایران در قالب پروژه‌های میان رشته‌ای با عنوان “ساخت ایران” در حال تکوین است که در گفت‌وگوی این معمار با هنرانلاین درباره آن می‌خوانید.

❏ در پروژه “ساخت ایران” چه اتفاقی رخ می‌دهد و شما به دنبال تحقق چه چیزی هستید؟
من فکر می‌کنم هر هنرمندی، معماری، شهرسازی یا هر فرد متخصصی که نسبت به وضعیت کنونی و آینده بی تفاوت نیست، آرزوهایی دارد یا چشم‌اندازهایی را برای تعبیر در ذهن خود تصویر می‌کند و به دنبال آن‌ها می‌رود. “ساخت ایران” حدود یک دهه پیش شکل گرفت، زمانی که برای سلسله‌ای از سخنرانی‌ها در ایران و خارج از ایران با موضوع “مدرنیت ایرانی” دعوت شدم، به این موضوع فکر کردم که چرا تا این‌اندازه مصرف‌کننده و تهی از تولیدات فکری و عملی شده‌ایم؟ متأسفانه شرایط و مسیر تحولات جامعه ما به گونه‌ای رقم خورده که مدت‌هاست دنباله‌روی تولیدات جهانی هستیم، ضرورتی که فکر می‌کنم اگر امروز هوشمندانه و مولد بر پایه مزیت‌های خودمان جلو برویم (نه اینکه پشت به دنیا کنیم)، به دستاوردهای خوبی خواهیم رسید، جامعه ما دو مزیت دارد؛ نخست اینکه ما در معماری و شهرسازی یک تمدن کهنه‌کار هستیم و اولین شهرها و نخستین گونه‌های معماری در منطقه ما به وجود آمده‌اند و در وجه دیگر، ما یک تمدن شاعر و ادیب داریم. ما در شعر و ادبیات همواره وضع خوبی داشته‌ایم و هنوز هم داریم. در مورد معماری و شهرسازی نیز همواره دستاوردهایی منحص به فردی داشته‌ایم که در تاریخ هنر مرعیت دارد؛ امروز همان‌طور که سینمای ایران به دستاوردهای خوبی با جنسیتی فرهنگی یا اجتماعی دست یافته و توانسته آن را به بیرون از ایران و بازار تبادلات فکری و فرهنگی جهانی عرضه کند، در نگاه به معماری و شهر نیز اگر بخواهیم، شاید بتوانیم. در آن زمان، فکر کردم ما می‌توانیم موضوعی یا سوالاتی را برای خودمان طرح کنیم و حول آن ببندیشیم تا راه‌حل‌هایی را به صورت نظری آماده کنیم و در زمانی که شرایط بیرونی برای تغییر و تحول آفرینی فراهم شد، فاگلگری نشویم و بتوانیم آینده‌شهرمان را در دربار شهر و معماری روی میز بگذاریم و آن‌ها را عملی کنیم. شما وقتی می‌گویید هویت ایرانی، این هویت موضوع مناقشه است و بار سیاسی و ایدئولوژیک دارد. بنابراین فکر کردم عنوانی را انتخاب کنم که این سوءتفاهم‌ها، موضوعات مناقشه‌برانگیز را در درون خود نداشته باشد، اما محتملی ایجاد کند که بتوانیم حول آن جمع شویم و با هم فکر کنیم. معتقدم خوب است که خودمان در ارتباط با مسائل کشورمان ببندیشیم و تولید فکر و راه‌حل کنیم و البته از دستاوردهای جهانی بیاموزیم. این پروژه هیچ کارفرمایی ندارد و در آن من از افراد صاحب‌نظری دعوت کرده‌ام تا در این مطالعه به صورت فعالیتی میان رشته‌ای، مشارکت کنند.

❏ متخصصان چه رشته‌هایی در پروژه “ساخت ایران” حضور دارند؟

متخصصانی از رشته‌های هنر، معماری، شهرسازی، جامعه‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، فلسفه و… در این فعالیت حضور دارند. البته همان‌طور که گفتیم این فعالیت یک پروژه رسمی نیست که هر روز صبح یک عده بیایند و کار کنند. در راستای این پروژه، من گاهی جهت مجموعه فعالیت‌های عملی، نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و کارهای آموزشی‌ام را به سستی می‌برم که از طریق آن پارل ارباهای پروژه پُر شود تا به پهنانه هر یک از آن‌ها، قطعات کم شده را پیدا کنم تا در بلند مدت به نتایج مورد انتظار نزدیک شود.

❏ یعنی نشست‌هایی نظیر “مقیاسه شهرسازی و معماری اصفهان صنوبی با رنسانس و باروک اروپا” که چندی پیش در اصفهان برگزار شد، نیز در راستای اهداف این پروژه است؟
تقریباً بله.

❏ خود شما از جمله افرادی هستید که جوایز مختلفی را در مسابقات معماری کسب کرده‌اید. همان‌طور که می‌دانید، مسابقات و جوایز در معماری ایران نقش بسیار پررنگی دارند، زیرا با تعداد زیاد معمارانی که هر ساله فارغ‌التحصیل می‌شوند، فضا به شدت رقابتی شده است. در چنین شرایطی فکر می‌کنید مسابقات و جوایز چقدر توانسته‌اند نقشی را که باید، ایفا کنند؟ و اساساً چقدر ذائقه مخاطب امروز ما با مسابقه‌ها شکل می‌گیرد؟

به نظر من ما به عنوان یک جامعه، یک مدنیت و یک فرهنگ، ابتدا باید بدانیم چه‌کار می‌خواهیم بکنیم و به کجا می‌خواهیم برویم، احتمالاً بخشی از این بررسی و به دنبال آن درک و آگاهی را باید نهادهای فرهنگی و اجرایی دنبال کنند و بخش دیگر آن نیز به‌اندیشه‌شدن، به جامعه هنری، معماری، شهرسازی و بخش مهمی از آن نیز به مردم و جامعه مربوط است. من فکر می‌کنم، از آنجایی که ما تصمیمی نداریم و نمی‌دانیم که به کجا می‌خواهیم برویم، این اتفاق می‌افتد که همه وسایل و ابزار در اختیار، مانند دانشگاه، رسانه، مسابقه و… در این جریان سردرگم حرکت می‌کنند و ضد اهداف خود را تولید می‌کنند. بخشی از پروژه “ساخت ایران” که قبلاً به آن اشاره کردم، مطالعه راجع به روندها و تجربیات جهانی است، شهر و معماری ما در چند دهه اخیر به طور روزافزون محل بروز و ظهور نشانه‌های از شکاف طبقاتی بوده است. یعنی از جایی به بعد، شهر یا معماری واسطه‌ای می‌شود که این تضادها را در نما، نمایان و زندگی ساکنان آن را اصطلاحاً لاچکری جلوه دهد و افراد به این وسیله ممکن از تمایلات خود را به رخ بکشند. سوال اصلی این است که آیا چنین روندی، خواسته جامعه بوده

” معماری به سمت آن سوق پیدا کرده است؟ به نظرم، این مسئله موجی است که برخاسته و هر چقدر جلوتر می‌رود بلندتر می‌شود تا جایی که حتی در نقاط دوردست کشورمان هم اثرات این موج را می‌بینیم که افراد نسعی می‌کنند امتیازات یا آرزوهای اجتماعی‌شان را در خانه‌هایشان به رخ بکشند و نمایش دهند و بدنه جامعه هم تمنای این نوع از نمایش را در سر می‌پروراند.

❏ اگر به معماری دوران صفوی اصفهان که خودتان هم به آن، اشاره کردید، نگاه کنیم، می‌بینیم که با معماری دوران اوج اروپا در دوره رنسانس و باروک برابری می‌کند. می‌بینیم که در آن دوران یک معماری داریم که نه تنها در اصفهان بلکه در شهرهای دیگر نیز، حرفی برای گفتن دارد و این بناها در وجوه مختلف معنا دارند و می‌توانند تقریباً

هر نوع مخاطبی را جذب کنند. ما در دوره‌ای موجی داریم که نه تنها معماری و شهرسازی بلکه عرصه‌های مختلف فکری و فرهنگی جامعه را در برمی‌گیرد و در معماری و شهرسازی شاهکارهایی را به جای می‌گذارد که هنوز هم می‌توانیم در مورد آن‌ها حرف بزنیم و از آن‌ها بیاموزیم. فکر می‌کنید چطور می‌شود که این بصیرت در یک دوره‌ای به شکل فراگیر اتفاق می‌افتد، درحالی‌که در دوره معاصر عملاً حتی شاهد موارد نادری هم در نسبت با آن هم نیستیم؟

من اگر نخواهم سیاه صحبت کنم که بگویم منحط شده‌ایم، باید بگویم در یک دوره افول هستیم. البته من بسیاری خوشبین و امیدوار هستم زیرا ثروت فرهنگی ما هنوز از بین نرفته است و ما هنوز از آن تغذیه می‌کنیم. ما جامعه‌ای هستیم که انباشتی از ثروت فرهنگی در اختیارمان است اما اکنون با وضعیت نابسانمانی روبرو هستیم. فکر می‌کنم که این ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال مسئله‌دار اخیر، نسبت به بزرگی تاریخ، زمان کوتاهی است. فکر می‌کنم آسیب‌های ما قابل ترمیم هستند. شما همیشه در تاریخ تحولات تاریخی با دوره‌های افول و انحطاط مواجه بوده‌اید اما من هنوز به این باور نرسیده‌ام که ما ممکن است در رویارویی با چالش‌های دوران منقرض یا منهدم شویم؛ بهتر است امیدوار بمانیم و برای بهبود تلاش کنیم. چشم‌اندازی از آینده در ذهن من شکل گرفته که نوبد می‌دهد روزی، وضع بهتر از این خواهد شد، هر چند که من امروز هم فکر می‌کنم در بسیاری از زمینه‌ها، وضعیت خیلی بدی نداریم. مثلاً گرافیک ایران وضعیت بسیار خوبی دارد و می‌توان به آن افتخار کرد. سینمای ایران نیز، همواره فراز و نشیب‌هایی داشته است اما در کل وضعیت بدی ندارد. در زمینه‌های دیگر نیز تلاش‌هایی شده است و می‌شود، منتها درباره معماری و شهر، وضع پیچیده و دشوارتر است چرا که به منفعت و قدرت گره خورده است. چیزی که درآورد است این است که برای تغییر این روند اراده و اهتمامی وجود ندارد.

❏ در حال حاضر معماری در تمام دنیا یک کار گروهی و تیمی است و ابعاد مختلفی در آن مدنظر قرار می‌گیرد تا جایی که مثلاً وقتی یک معمار بزرگ از دنیا می‌رود، دفتر او همچنان فعال است و آن روند و خطمشی که از خود به جای گذاشته است، ادامه پیدا می‌کند. به عنوان مثال پس از مرگ زاها حدید، هنوز، دفتر او فعال است و با همان روند گذشته کار ارائه می‌دهد اما در ایران وقتی یک معمار بزرگ فوت می‌کند عملاً فقط یک یاد و خاطره‌ای از او به جای می‌ماند و نمی‌شود گفت که طرز فکر و خطمشی آن آدم ادامه پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد این فردگرایی در معماری ما خیلی پررنگ است. نمی‌دانم کار گروهی و نیز کار کردن در کنار سایر رشته‌ها برای شما تا چه حد پررنگ است. فکر می‌کنید یک معمار برجسته چطور می‌تواندآندیشه خود را برای نسل آینده باقی بگذارد؟

در کلام خود شما دو بحث وجود دارد. یکی از آن‌ها کار کردن با سایر رشته‌هاست. من فکر می‌کنم راهی جز کار کردن با سایر رشته‌ها وجود ندارد. اصولاً شهر و معماری ماهیتی چند رشته‌ای دارند. جالب است که بدانید بسیاری از دوستان من اهل فلسفه و سینما هستند زیرا از این دوستان دریافت بیشتری نسبت به همکاران خود دارم. شاید در همه پروژه‌هایم این‌طور نباشد اما مثلاً در پروژه‌هایی مانند “ساخت ایران” که

” ما به عنوان یک جامعه، یک مدنیت و یک فرهنگ، ابتدا باید بدانیم چه‌کار می‌خواهیم بکنیم و به کجا می‌خواهیم برویم، از آنجایی که ما تصمیمی نداریم و نمی‌دانیم که به کجا می‌خواهیم برویم، این اتفاق می‌افتد که همه وسایل و ابزار در اختیار، مانند دانشگاه، رسانه، مسابقه و… در این جریان سردرگم حرکت می‌کنند و ضد اهداف خود را تولید می‌کنند

❏ ما جامعه‌ای هستیم که انباشتی از ثروت فرهنگی در اختیارمان

است اما اکنون با وضعیت نابسانمانی روبرو هستیم. فکر می‌کنم که این ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال مسئله‌دار اخیر، نسبت به بزرگی تاریخ، زمان کوتاهی است. فکر می‌کنم آسیب‌های ما قابل ترمیم هستند. شما همیشه در تاریخ تحولات تاریخی با دوره‌های افول و انحطاط مواجه بوده‌اید اما من هنوز به این باور نرسیده‌ام که ما ممکن است در رویارویی با چالش‌های دوران منقرض یا منهدم شویم؛ بهتر است امیدوار بمانیم و برای بهبود تلاش کنیم

قبلاً درباره آن توضیح دادم، سعی کرده‌ام با سایر رشته‌ها گفتگو برقرار کنم. فکر می‌کنم یکی از نارسای‌ها در شرایط فعلی مربوط به این است که اغلب دوستان و همکاران من خودشان را به درون خود رشته محدود کرده‌اند. همکاران در حرفه ما کم مطالعه می‌کنند و بیرون از خود را نمی‌بینند. به میزان زیادی درگیر و متمرکز روی بازار کسب و کار هستند، حرفه‌ای که این ویژگی‌ها را دارد، ستایش مرا برنمی‌انگیزد زیرا نمی‌تواند منشأ اثراتی بیرون از خود شما باشد و در این صورت تاریخ و آینده هم احترامی برای دوران ما قائل نخواهند شد.

❏ جالب است که در همین صنفی که شما اشاره می‌کنید در هفته چندین نشست برگزار می‌شود. در ظاهر به نظر می‌رسد به‌اندیشه و خرد جمعی احترام زیادی گذاشته می‌شود.

همان‌طور که گفتم وقتی هدفمندی وجود ندارد، شما هر چقدر مسابقه و نشست برگزار کنید، اسیر سیلی می‌شوید که از بیرون می‌آید و شما را با خود می‌برد، یعنی تابع آن مد بیرونی هستید. من آدم‌های کمی را می‌شناسم که بیرون از این فرضیات باشند. اغلب این نشست‌ها هدفی ندارند، بحث‌های جدی و عمیقی در آن‌ها طرح نمی‌شود البته معتقدم، بودن این نشست‌ها بهتر از نبودن آن‌هاست؛ ما باید در سمت و سوی بهتری حرکت کنند. کمیت مهم نیست، بلکه کیفیت و خودآگاهی مهم است. ما صنف توأماند و قدرتمندی نداریم. زیرا حرفه ما به بازار و کسب و کار ربط دارد، بیشتر رقابتی است و شما را به یک نوع سطحی‌نگری و تولید و بازتولید چیزهای صوری سوق می‌دهد. شما ناچارید به همان چیزهایی که از بیرون حکم می‌شود که این خوب است، زیرا جریان غالب است، دامن بزنید. چه‌کسی گفته جریان غالب همیشه خوب است؟ اما در مورد بخش دیگر سوآلتان درباره انقطاع نسل در دفاتر، متأسفانه ما امروز می‌بینیم در دفاتر بزرگ و بسیار خوب مثلاً با بیش از ۵۰سال سابقه، در حال بسته شدن است. تداوم رمز موفقیت در بسیاری کشورهاست. وقتی به یکی از دوستانم در انگلیس، با خوشحالی گفتم که مجله ما به شماره ۱۲۰ رسیده، تعجب کرد. او گفت که ۱۲۰ شماره این‌قدر در جای خوشحالی ندارد زیرا در اروپا مجلاتی وجود دارند که از قرن ۱۹ میلادی تاکنون منتشر می‌شوند اما اصلاً بحث تداوم در جامعه ما می‌معنی است و این یک فاجعه به شمار می‌رود.

❏ فکر می‌کنم دفاتری مثل‌د در اروپا یا ژاپن هستند که نزدیک به یک قرن قدمت دارند.

این تنها مختص به عُمر دفاتر نیست، ژاپنی‌ها فرهنگشان بر پایه پیوستگی و تداوم است. به عنوان نمونه، چند دهه قبل جنبشی مهم به نام متاباسام در معماری ژاپن به وجود آمد، بنابراین وقتی امروز به کار معماران ژاپنی نگاه می‌کنید،

” **همان‌طور که گفتم وقتی هدفمندی وجود ندارد، شما هر چقدر مسابقه و نشست برگزار کنید، اسیر سیلی می‌شوید که از بیرون می‌آید و شما را با خود می‌برد، یعنی تابع آن مد بیرونی هستید.**

❏ اروپایی‌ها ما را به معماری خاک می‌شناسند. انباشت دانش، تجربه و تکنیک‌های مربوط به ساختمان‌سازی با خاک در منطقه ما موجود است و تنها در یزد نیست. پیامد این شیوه ساختن که مثلاً اوج آن را در گنبدها و طاق‌های بی‌نظیری که در دوره‌های تاریخی ساخته شده‌اند می‌بینید، تولید کیفیت و توسعه فضای معماری است

دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۰۰۱۴۱۴۲۷ یا ۳۰۰۱ در میان بگذارید.

آن تداوم ببخشیم، شاید رفته رفته بتوانیم به جایگاه ممتازی برسیم زیرا جریان معاصر ایران دارای ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها و نیروهای مولّد و درخور اعتنایی است. آن چیزی که در ۴۰ سال گذشته فضای زیست ما را پُر کرده، به تعبیری، یک نوع انباشت صرف مصالح در قالب ساختمان است. یک معماری تهّ و پسر زرق و برق که تغییر رفتار و فروپاشی آرمان‌های زیستی جامعه امروز را نشان می‌دهد اما من این موضوع را نمی‌خواهم تنها از این زاویه ببینم. ما با انبوه تولیدات ساختمانی به شکل جعبه‌های تکراری با نماهای کاردت پستالی در شهرهایی که بر پایه سوداگری و مطامع غیر اصیل شکل گرفته‌اند، روبه‌رو هستیم. برای همه این‌ها، راه‌حل‌هایی وجود دارد. من این شجاعت را دارم که بگویم در مورد بسیاری از این موارد و برای حل این مشکلات، می‌توانم به عنوان یک متخصص راه‌حل‌های ساده و عملی ارائه دهم. خیلی‌های دیگر هم این‌ها را می‌دانند اما نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به دنبال حل ریشه‌ای مسائل بروند زیرا برای این کار باید از هزار توی قدرت و منفعت عبور کرد. در این فرصت، تنها یک مثال ساده برای‌تان می‌آورم، کافی است که شما نوع مالکیت را از خصوصی به عمومی تبدیل کنید، در این صورت طمع، سوداگری، زمین‌خواری و فساد در بخش زمین و ساختمان به سادگی ریشه‌کن می‌شود و شهر سرنوشت دیگری پیدا می‌کند.

❏ سال گذشته برنامه‌ای در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد که سفیر اتریش هم در آن حضور داشت. او در مصاحبه‌ای که با هم داشتیم، گفت که تمایل دارد، معماری یزد را در قالب ورک‌شاپی در اتریش ارائه کند. فکر می‌کنید آیا این امکان وجود دارد که ما بتوانیم معماری مربوط به یک دوره خاص یا فضای خاصی نظیر یزد را دوباره تولید و یک انتقال را تجربه کنیم؟

هنوز تأثیرات این جنبش را می‌توانید در آن‌ها ببینید.

❏ آیا خودتان هم تدریس کرده‌اید؟

من در این سال‌ها همواره اما منقطع تدریس کرده‌ام و دانشجویان را بسیار دوست دارم، اما محیط امروز دانشگاه‌ها برایم مطلوب و مطبوع نیست. زیرا در آن اولویت با یادگیری نیست.

❏ چرا، تألیف پیرامون معماری و شهر تا این حد کمرنگ است؟ خود شما با پیشینه تألیف و پژوهشی که دارید چرا در این زمینه فعالیتی ندارید؟

اولاً اینکه من مؤلف و پژوهشگر آن چنانکه شما می‌گویید نیستم، البته کنجکاو‌هایی داشته‌ام و به دنبال آن‌ها رفته‌ام اما تقریباً می‌توانم بگویم و باید این واقعیت را بپذیریم که ما امروز تألیف یا پژوهش جدی نداریم. ما اکنون یک جامعه مؤلف یا محقق نیستیم و بیشتر مترجم و مصرف‌کننده‌ایم. مسئله این است که ما نمی‌توانیم یک‌باره تصمیم بگیریم که چیزی تألیف کنیم، جامعه باید در مسیر تولید فکر واندیشه قرار بگیرد، آکادمی خوب داشته باشد، ترجمه خوب داشته باشد و… جامعه باید نیروهایی را تولید و تربیت کند که فقط کار و زندگی‌شان روی این مسئله متمرکز باشد. این نیروها امروزه در جامعه ما به خصوص در رشته و حرفه ما تقریباً وجود ندارند. ما در این دوره نه تنها هیچ تألیفی را در قالب کتاب، حتی مقاله‌های مهم و جدی نداشته‌ایم، بلکه در تولیدات حرفه‌ای‌مان هم مؤلف نیستیم. ما فرهنگ تاریخ هنرنگاری نداشته‌ایم اما وقتی مثلاً به یزد نگاه می‌کنیم می‌بینیم از طریق شهر و معماری، در حال هنر خلق شده و تألیفی به وجود آمده است. در حال حاضر ما چنین تولیداتی نداریم که ازاندیشه‌های اصیل پدید آمده باشند. البته این حرف به معنای آن نیست که مثلاً در معماری یا سینما افراد نخبه‌ای مانند کیارستمی وجود ندارند اما من امروز تولیدات برجسته‌ای را در زمینه‌های مورد بحث شما به وفور نمی‌یابم. حتی ترجمه‌ها هم با کیفیت نیستند و سطح کیفی ترجمه‌ها رضایت‌بخش نیست. فکر می‌کنم شرایط باید تغییر کند و خودمان تغییر کنیم تا هر زمان که بستر حاصل‌خیز شود، از دل خاک چیزهایی برآید و بالا بیاید. ممکن است با قید استثناء، یک آدم نخبه از آسمان بیاید و به صورت صاعقه آسا کارهایی انجام بدهد، اما بحث من درباره وضعیت عمومی امروز است. در حال حاضر، اشتیاق‌ها و تمایلاتی رقیق در جامعه برای پرداختن به این موضوعات حس می‌شود، اما هیچ گفت‌وگوی جدی در زمینه معماری یا شهر در جریان نیست. منتظر تغییرهای صوری رزده شود و ما آن را ترجمه کنیم که البته همیشه آموختن و فهمیدن از هر طریقی کار پسندیده و مورد توصیه‌ای است. این فصولی است که همه، اعم از نهادهای فرهنگی، بنده و همکارانم داریم. من فکر می‌کنم ما باید کوشش کنیم و صبور بمانیم، البته نه صبوری توأم با انفعال، بلکه آمیختن آن با کشش‌گری و هوشمندی.

❏ با توصیف‌ها و تعاریفی که ارائه دادید، فکر می‌کنید ما در معماری ۴۰ سال اخیر می‌توانیم بگویم که با ویژگی خاصی که مختص این دوران باشد، در زمینه معماری و در شهرها روبرو هستیم که بتوان روی آن کار کرد تا پایه کارهای آینده باشد؟

ما در معماری چند توانسته‌ایم این وضعیت را در مقیاس کلان سامان بدهیم اما همکاران ما در همین شرایط نیز، فعالیت‌ها و کارهای خوبی انجام داده‌اند و می‌دهند و استعداد‌های زیادی نیز موجود یا در حال ظهور است. در مجموع، ما وقتی کارهای نخبه معماری معاصر ایران را در دست‌های پیکانه، پیگیری‌شان کنیم. من فکر می‌کنم می‌توانیم با توجه به این شرایط نخبه‌ها را به شکل‌های خود توضیح کنیم. ما در مطالعاتی که روی معماری و شهر در جوامع متنوع امروزی داشتیم، متوجه شدیم که مثلاً در کشورهایی مانند دانمارک، سیاست‌های معماری و شهر، با محتوایی بسیار ملموس تدوین شده که همه در آن مسیر جلو می‌روند. شاید بشود کارهای تزرقی و موضعی برای بهبود کوتاه مدت شرایط نبرو‌ها انجام داد اما بی‌شک پیامدهای بلند مدت و پایدار آن که باید مورد نظر ما باشند باید هدفمند و صبور باشیم. امروز برای ۵۰ سال دیگر فکر کنیم و بذرهای آن را بکاریم. دراندیشه و در عمل. من نشانه‌های این ظرفیت را در جامعه امروز ایران می‌بینم که اگر درست ببیندیشد و به موقع اقدام کند، شاید بتواند در جهت ساختن آینده‌ای بهتر مؤثر واقع شود.

آن تداوم ببخشیم، شاید رفته رفته بتوانیم به جایگاه ممتازی برسیم زیرا جریان معاصر ایران دارای ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها و نیروهای مولّد و درخور اعتنایی است. آن چیزی که در ۴۰ سال گذشته فضای زیست ما را پُر کرده، به تعبیری، یک نوع انباشت صرف مصالح در قالب ساختمان است. یک معماری تهّ و پسر زرق و برق که تغییر رفتار و فروپاشی آرمان‌های زیستی جامعه امروز را نشان می‌دهد اما من این موضوع را نمی‌خواهم تنها از این زاویه ببینم. ما با انبوه تولیدات ساختمانی به شکل جعبه‌های تکراری با نماهای کاردت پستالی در شهرهایی که بر پایه سوداگری و مطامع غیر اصیل شکل گرفته‌اند، روبه‌رو هستیم. برای همه این‌ها، راه‌حل‌هایی وجود دارد. من این شجاعت را دارم که بگویم در مورد بسیاری از این موارد و برای حل این مشکلات، می‌توانم به عنوان یک متخصص راه‌حل‌های ساده و عملی ارائه دهم. خیلی‌های دیگر هم این‌ها را می‌دانند اما نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به دنبال حل ریشه‌ای مسائل بروند زیرا برای این کار باید از هزار توی قدرت و منفعت عبور کرد. در این فرصت، تنها یک مثال ساده برای‌تان می‌آورم، کافی است که شما نوع مالکیت را از خصوصی به عمومی تبدیل کنید، در این صورت طمع، سوداگری، زمین‌خواری و فساد در بخش زمین و ساختمان به سادگی ریشه‌کن می‌شود و شهر سرنوشت دیگری پیدا می‌کند.

❏ سال گذشته برنامه‌ای در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد که سفیر اتریش هم در آن حضور داشت. او در مصاحبه‌ای که با هم داشتیم، گفت که تمایل دارد، معماری یزد را در قالب ورک‌شاپی در اتریش ارائه کند. فکر می‌کنید آیا این امکان وجود دارد که ما بتوانیم معماری مربوط به یک دوره خاص یا فضای خاصی نظیر یزد را دوباره تولید و یک انتقال را تجربه کنیم؟

اروپایی‌ها ما را به معماری خاک می‌شناسند. انباشت دانش، تجربه و تکنیک‌های مربوط به ساختمان‌سازی با خاک در منطقه ما موجود است و تنها در یزد نیست. پیامد این شیوه ساختن که مثلاً اوج آن را در گنبدها و طاق‌های بی‌نظیری که در دوره‌های تاریخی ساخته شده‌اند می‌بینید، تولید کیفیت و توسعه فضای معماری است. در جاهای دیگر جهان مصالح و تکنیک‌های دیگری مبنای توسعه فضای معماری بوده‌اند، مثلاً در ژاپن معماری چوب بسیار مهم بوده است. من زمانی که جوان‌تر بودم، از آنجایی که با نوعی ساده‌انگاری می‌خواستند هویت را با مته در مغز ما فرو کنند، یک نوع واکنش دفاعی نسبت به این مسائل پیدا کرده بودیم و آن را پس می‌زدیم زیرا این حرف‌ها هم به شکلی پیش پا افتاده و هم ستک‌آمیز برای ما طرح می‌شدند. شما خودتان در فضای رسانه هستید و موضوع می‌دانید که توسط آدم‌های بی‌معرفت یا کم معرفت، چه بلایی سر این نوع بحث‌های بسیار کلیدی آمده است. آدم بی‌معرف اگر مبلغ معرفت شود به آن آسیب می‌زند. من هیچ جریان پیش‌روی یا نمی‌شناسم که به معرفتی که در پشت سرش وجود دارد، بی تفاوت بوده باشد خواه در جهت نقد یا برای توسعه آن. این مسئله مهمی است و اروپایی‌ها به درستی متوجه اهمیت این موضوع هستند. فرهنگی که اکنون مدرنیسم است، بسیار زود متوجه این موضوع می‌شود که گذشته انباشت معرفت و تجربه بشری است زیرا فرهنگی، معرفت دوست و معرفت شناس است. معماری و مهندسی آمریکا، امروز در کشورهای اتریش، فرانسه، آلمان و حتی در خاورمیانه و در حال توسعه است و این دانش و تجربه افراد را به ایران بودند که به این فکر افتادند اما این ایده “ساخت ایران” روی این موضوع قوی می‌کند که ما می‌توانیم در شهرهای خوبی را برای آینده پیشگاه کنیم اما قطعاً با یزد تفاوت دارد زیرا از مؤلفه‌های دیگری پدید می‌آید. معماری و تکنیک کار کردن به شیوه‌های جدید با خاک، جای کار زیادی برای توسعه قابلیت‌ها و کاربردهای پیشین خود دارد، اما تولیداتی از چیزهای دیگر در اینجا مورد غفلت است. من در این مورد ماایلم کمی جاهل‌بانم فکر کنم. روای من این است که بشود با این شیوه یک استادبوم ورزشی بزرگ ساخت. اگر ما این جسارت را در خودمان دیدیم و نیروهایی داشتیم که این نوع فکر‌ها را پیش ببرند و به نتیجه برسند و دانش و امکانات را در جهت تحقق این ایده‌ها گردم آورند، از نظر من اتفاق مهمی خواهد افتاد؛ مانند کارهای مهمی که معماران امروز ژاپن با معماری چوب کرده‌اند. ما در این نوع مسئله همواره جامعه‌ای پیشرو و مولد بوده‌ایم اما موضوع این است که امروز به قدری که لازم‌هاست که تلاش نمی‌کنیم و البته بستری که در آن کار می‌کنیم نیز مسئله‌دار است.

❏ واما سخن پایانی؟

من فکر می‌کنم این موضوعات را باید بیشتر باز کنیم. در اصفهان هم از من سوال شد که راه حل برای مشکلات مطرح شده چیست؟ من گفتم ما اگر نتوانیم سوال را شناسایی، دسته‌بندی و اولویت‌بندی کنیم، برای چه چیزی راه حل می‌خواهیم ارائه دهیم؟ ما امروز سبدها هستیم، گویی که گیر افتاده‌ایم و نمی‌دانیم چه کسی هستیم و به کجا می‌خواهیم برویم. نمی‌دانیم چگونه و از کجا باید شروع کنیم. باری در هر جهت و منفعل شده‌ایم. من به جامعه نخبه اصفهان توصیه کردم و به مخاطب شما نیز توصیه می‌کنم که ممارست در مطالعه، کار، همین‌طور فکر و تلاش مستمر را در اولویت قرار دهند. به خودمان و به جهان خوب و هوشیارانه نگاه کنیم. پشت سرمان را نگاه کنیم، ببینیم امروز چه کسی هستیم و مشکلات اصلی‌مان چیست و چگونه باید به آینده انتقال پیدا کنیم. اگر ۱۰۰مشکل داریم، به همه آن‌ها کاری نداشته باشیم و ۱۰ تای اصلی را ببیندایم و از میان آن‌ها ۳ مورد اصلی‌تر را انتخاب کنیم و به عنوان اولویت‌های روی آن‌ها تمرکز و تا رسیدن به نتایج واقعی بمانیم. پیگیری‌شان کنیم. من فکر می‌کنم باید بتوانیم از مشکلات امروز عبور کنیم و مسیری را به سوی آینده‌ای بهتر بکشاییم. توصیه نخست من، پیدا کردن سؤال‌های اصلی است. ما در مطالعاتی که روی معماری و شهر در جوامع متنوع امروزی داشتیم، متوجه شدیم که مثلاً در کشورهایی مانند دانمارک، سیاست‌های معماری و شهر، با محتوایی بسیار ملموس تدوین شده که همه در آن مسیر جلو می‌روند. شاید بشود کارهای تزرقی و موضعی برای بهبود کوتاه مدت شرایط نبرو‌ها انجام داد اما بی‌شک پیامدهای بلند مدت و پایدار آن که باید مورد نظر ما باشند باید هدفمند و صبور باشیم. امروز برای ۵۰ سال دیگر فکر کنیم و بذرهای آن را بکاریم. دراندیشه و در عمل. من نشانه‌های این ظرفیت را در جامعه امروز ایران می‌بینم که اگر درست ببیندیشد و به موقع اقدام کند، شاید بتواند در جهت ساختن آینده‌ای بهتر مؤثر واقع شود.